



۸۲

فصلنامه علمی - پژوهشی در حوزه فلسفه دین و کلام جدید

سال بیست و یکم / زمستان ۱۳۹۵ / ۶۰۰۰ تومان

قبسات

صاحب امتیاز: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مدیر مسئول: علی اکبر رشاد

سر دبیر: محمد محمدرضایی

دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: سیدمهدی حسینی

اعضای هیئت تحریریه:

حمیدرضا آیت‌اللهی (استاد دانشگاه علامه طباطبائی) / غلامرضا اعوانی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) / رضا اکبریان (استاد دانشگاه تربیت مدرس)
احمد بهشتی (استاد دانشگاه تهران) / غلامعلی حداد عادل (دانشیار دانشگاه تهران) / رضا داور (استاد دانشگاه تهران) / علی اکبر رشاد (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
حسین غفاری (دانشیار دانشگاه تهران) / مهدی گلشنی (استاد دانشگاه صنعتی شریف) / محمد محمدرضایی (استاد دانشگاه تهران)

اعضای شورای پژوهش:

محمدعلی اردستانی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / قاسم ترخان (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدصفر جبرئیلی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمد جداری عالی (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / عبدالحسین خسروپناه (استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد رودگر (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / ابوالفضل ساجدی (دانشیار مؤسسه امام خمینی) / حمیدرضا شاکرین (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمد عرب صالحی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / رمضان علی تبار (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / ابوالحسن غفاری (استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / علیرضا قائمی نیا (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدحسن قدران قراملی (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / حسن معلمی (دانشیار دانشگاه باقرالعلوم)

به استناد گواهی شماره ۳/۶۱۵۵ مورخ ۸۶/۷/۲۸، کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری) در

جلسه مورخ ۸۶/۶/۳۱ به فصلنامه قبسات درجه علمی - پژوهشی اعطا نمود.

ویراستار: محمداسماعیل انصاری

صفحه‌پرداز: حسن مؤمن آبادی

نشانی مجله:

تهران: خیابان شهید بهشتی، خیابان احمدقصر، خیابان پژوهشگاه، شماره ۲، تلفن: ۴ - ۸۸۷۳۴۸۶۳ - ۸۸۷۶۴۷۹۲ صندوق پستی: ۴۴۴ - ۱۳۱۴۵.
قم: بلوار پانزده خرداد، خیابان شهید میثقی، تلفن: ۳۷۶۰۳۵۶۹ - ۳۷۶۰۲۹۹۷ - ۳۷۶۰۱۷۹ - ۳۷۱۸۵ صندوق پستی: ۳۷۱۸۵

Email: qabasat@iict.ac.ir

www.iict.ac.ir

چاپ و نشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

تلفن‌های مرکز توزیع و فروش: ۸۸۱۵۲۵۵۵ - ۸۸۱۵۲۲۸۲

راهنمای تنظیم و ارسال مقالات

لطفاً به هنگام تنظیم و ارسال مقالات به موارد زیر توجه فرمایید:

۱. نام، نام خانوادگی، میزان تحصیلات، رتبه علمی نویسنده و مترجم، نیز شغل، نشانی، کد پستی، و شماره تلفن مؤلف ذکر گردد.
 ۲. مقالات، حروف چینی شده و به همراه دیسکت و نسخه پرینت آن ارسال شود.
 ۳. حجم هر مقاله بیش از ۲۵ صفحه ۳۵۰ کلمه‌ای نباشد. مقالات پر حجم در دفتر مجله تلخیص خواهد شد.
 ۴. چکیده فارسی مقاله، حداکثر در ۱۵۰ کلمه و حتی‌الامکان به همراه ترجمه انگلیسی آن به همین مقدار ضمیمه شود.
 ۵. واژگان کلیدی فارسی و معادل انگلیسی آنها، در آغاز مقاله ذکر گردد.
 ۶. مقالات مترجم، با نسخه‌ای از متن و معرفی اجمالی نویسنده آن همراه باشد.
 ۷. مقاله ارسالی نباید فعلاً در هیچ نشریه داخلی چاپ شده باشد.
 ۸. مقاله ارسالی نباید هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها برای چاپ فرستاده شده باشد.
 ۹. معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، بلافاصله پس از آنها باید داخل هلالین درج شود.
 ۱۰. منابع مورد استفاده، در مقاله به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد (در صورتی که اثر دارای بیش از یک جلد باشد) و شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۹۴). در صورت تکرار منبع، به نام خانوادگی و کلمه «همان» و ذکر شماره جلد و صفحه اکتفا شود (مظفر، همان، ج ۱، ص ۱۹) و در صورت تعدد آثار منتشره در سال واحد از یک مؤلف، جهت نمایاندن ترتیب انتشار از حروف الف، ب، ج و... استفاده شود. و فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسندگان، به شکل ذیل در آخر مقاله درج گردد.
أ) برای کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ **نام کتاب:** نام مترجم؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ ناشر، سال انتشار.
ب) برای مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده؛ «عنوان مقاله»؛ عنوان مجموعه (مجله)، شماره مجله، سال انتشار.
- مقالات و مطالب منتشره در قبسات، لزوماً بیان‌کننده دیدگاه‌های قبسات نیست ○ قبسات در تلخیص و ویرایش مقالات و مطالب آزاد است ○ اصل مقالات ارسالی بازگردانده نمی‌شود ○ نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است



۵. نگاه‌ی به منطق تدوین مبانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت / حمیدرضا شاکرین
۲۱. ترسیم الگوی روش‌شناختی مطالعه دینی بر مبنای مفهوم‌شناسی «روی آورد»
«روش» و «پارادایم» / احمد عبادی
۴۹. ضعف ساختاری نظریه عقلانیت و معنویت / سیدمحمد اکبریان
۷۳. شناخت حضوری و ساختار اتحادی؛ مبانی و دیدگاه صدرالمتألهین در باب
ماهیت معرفت عرفانی / سیداحمد فاضلی
۱۰۳. الهیات فمینیست به مثابه تفسیر هرمنوتیکی کتاب مقدس / محمدجواد ذریه،
زهرآ آبیاری، سیدمهدی امامی‌جمعه
۱۲۷. مناسبات فقه و اخلاق / محمد عالم‌زاده نوری
۱۴۳. ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبائی /
محمدعلی اسدی‌نسب
۱۶۹. حضرت آدم علیه السلام و گناه در مرتبه عشق / زهرا توکلی، مجید صادقی حسن‌آبادی
- ۱-۱۰. چکیده انگلیسی / مریم ساجدی



بسمه تعالی
جمهوری اسلامی ایران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری
امور پژوهشی
شماره: ۷۲۲۱۴۰ پ
تاریخ: ۸۸/۱۰/۳۰

سریال: ۷۸۲۸۲
پیوست: -

امام علی (ع) فناوری شناخته به آموزش دانش است... (عمران العکمه، ج ۵۲۸)

جناب آقای دکتر محمد محمدرضایی
سر دبیر محترم فصلنامه قیسات

باسلام و احترام

ضمن ابراز خوشوقتی نسبت به دریافت ضریب تاثیر (IF) فصلنامه وزین قیسات از پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، خدمت جنابعالی و اعضاء محترم هیات تحریریه تبریک می گویم.
خواهشمند است به نحو مقتضی، نمایه شدن این مجله در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام و دارا بودن ضریب تاثیر در این نظام را در بخشی از مجله که توسط خوانندگان قابل رویت باشد درج گردد.

با آرزوی توفیق الهی
حمیدعلیزاده
مدیر امور پژوهشی
مرکز منطقه ای اطلاع رسانی علوم و فناوری

نگاهی به منطق تدوین مبانی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۰۷ تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۱۰/۰۱

حمیدرضا شاکرین *

چکیده

جایگاه و نقش مبانی در نظریه پردازی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ملاحظات لازم در شیوه جستجو، کشف و تبیین مبانی، گونه شناسی، چگونگی طبقه بندی و منطق تدوین آن، از جمله مسائلی است که بدون توجه به آنها نمی توان انتظار داشت الگو جهت صحیح خود را باز یابد و غفلت از آنها زمینه ساز مشکلات، کاستی ها و چه بسا انحرافات و اعوجاجاتی در این مسیر خواهد شد. مقاله حاضر بر آن است به یاری خداوند متعال به طور فشرده مسائلی یاد شده را بر رسد. آنچه نویسنده بر آن تأکید می کند، کاربرست روش ترکیبی و جامع در اکتشاف مبانی است. افزون بر آن مطالعات رفت و برگشتی بین مبانی عام پایه ای، مبانی عرصه ای و مسائل را به عنوان حرکتی پیوسته و مداوم توصیه می کند.

واژگان کلیدی: مبنا، الگو، پیشرفت، اسلامی، الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.

* استادیار گروه منطق فهم دین پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. Email:shakerinh@gmail.com

درآمد

تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت یکی از مسائل بسیار مهم کشور و ضامن بقا و استمرار نظام اسلامی و گامی اساسی در جهت تأسیس تمدن نوین اسلامی است. بدون شک تدوین چنین الگویی مبتنی بر پاره‌ای مبانی و زیرساخت‌های بنیادین نظری است که بدون توجه به آنها الگو جهت صحیح خود را باز نیافته، غفلت از آنها اهداف و مسیر الگو را دگرگون خواهد ساخت. کشف و جست‌وجوی مبانی نیز نیازمند منطق و روشی است که با کاربری آن بتوان اطمینان کافی از ویژگی‌های لازم از جمله اتقان و جامعیت مبانی شناخته شده به دست آورد. اکنون در آغاز بحث نگاهی به مفاهیم اساسی تحقیق حاضر انداخته، در پی آن، مباحث اصلی را پی خواهیم گرفت.

۱. مبنا: در لغت به معنای اصل و ریشه است و در توضیح آن گفته شده است «هو ما بینی علیه شیء...: مبنا آن است که چیزی بر آن بنا شود» (مصطفوی تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۹۵-۹۶). این واژه کاربردهای مختلفی یافته است از جمله به معنای ۱. دلایل یا علل اثباتی یک چیز؛ ۲. علل ثبوت و تحقق؛ ۳. پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه و متعارفه، یعنی مسائلی که در یک رشته یا بحث علمی به اثبات آنها نمی‌پردازند و آنها را مسلم فرض می‌کنند؛ چراکه یا بدیهی و بی‌نیاز از اثبات‌اند (اصول متعارفه) یا جایگاه اثبات آنها در دانشی دیگر است (اصول موضوعه).

مراد از این واژه در نوشتار حاضر پیش‌فرض‌ها و زیرساخت‌های نظری و بنیادینی است که نظریه و الگوی پیشرفت، آرمان‌ها، راهبردها، اصول و قواعد آن بر اساس آنها سامان می‌یابد یا توجیه می‌شود. از طرف دیگر مبانی نقش تصحیح‌کننده داشته، معیاری برای ارزیابی و پالایش است و بر اساس آنها می‌توان آنچه را که با نظریه اسلامی ناسازگار است و نباید در الگو راه یابد، مشخص و بیرون کرد؛ بنابراین مبانی دارای سه کارکرد عمده: تولیدی، توجیهی و تهذیبی است.

۲. پیشرفت: فرهنگ فارسی معین پیشرفت را به معنای جلوتر رفتن و ارتقا معنا کرده است (معین، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۹۲۵)؛ در عین حال باید توجه داشت که پیشرفت

حرکتی آگاهانه و هدفدار، ارزشمدار و مبنادار، مطلوبیت‌گرایانه و آرمانجویانه، مبتنی بر دانش و معرفت، نظام‌مند، برنامه‌ریزی‌شده، تکاملی و رو به جلو، ذوابعاد، جمعی، ذومراتب، مستمر و متداوم است. این ویژگی‌ها نیازمند مطالعاتی همه‌جانبه، ژرف و دقیق است. از جمله حوزه‌های مطالعاتی تأثیرگذار، بررسی مبانی پیشرفت و الگوی آن است. مقصود اجمالی ما نیز از پیشرفت در الگوی مورد بحث «حرکت از وضعیت موجود جامعه به سمت وضع مطلوب اسلامی آن» می‌باشد و منظور از آن، تنها توسعه مادی نیست، بلکه افزون بر آن یک امر معنوی به سمت هدف‌ها (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۹/۲۷)، پرکردن خلأها (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۳/۵) و تکاملی (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۱۰/۱۵) است. این پیشرفت همان رسیدن به حیات طیبه، یعنی زندگی گوارا، همراه با آسایش و آرامش (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۸) و در کل سعادت دنیا و عقبی است (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۲/۱۹).

۳. الگو: واژه الگو به نمونه، طرح و مدل معنا شده است (ر.ک: معین، ۱۳۷۶، ذیل واژه «الگو»). الگو، نمایش نظری و ساده‌شده از نظریه می‌باشد که تصویری عملی و کاربردی از امور را به ما خواهد داد.* الگو، بسان نقشه‌ای جامع است که مقصد و راه را نشان می‌دهد. این نقشه باید دارای ویژگی‌هایی چون «جامعیت»، «کلان‌نگری»، «نظام‌مندی» و «غیر قابل تفسیرهای متعدد» باشد تا بتواند جامعه را از حرکت‌های دورانی، نابسامان و زیگزاگی نجات دهد.

۴. اسلامی: مراد از اسلامی بودن الگوی پیشرفت این است که مبتنی بر مبانی و هماهنگی با آموزه‌های دین مبین اسلام و برآمده از فهمی اجتهادی و معتبر از منابع اصیل دینی «نظریه اسلامی پیشرفت» باشد.

۵. ایرانی: مراد از ایرانی بودن الگوی پیشرفت عمدتاً انطباق آن با شرایط نسبتاً پایدار اقلیمی، فرهنگی، تاریخی، اوضاع سیاسی و اجتماعی و به‌طور کلی مقتضیات کشور

* مدل‌ها را بر اساس کارکردشان، به گروه‌هایی تقسیم می‌کنند که عبارت‌اند از: مدل‌های شناختی، مدل‌های پیش‌بینی‌کننده، مدل‌های تصمیم‌گیری و مدل‌های هنجاری (جهت آگاهی بیشتر، ر.ک: دوران، ۱۳۷۶، ص ۶۷-۶۸).

ایران است؛ بنابراین با هماهنگ‌سازی نظریه اسلامی پیشرفت با شرایط و مقتضیات کشور ایران و جامعه ایرانی، می‌توان به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دست یافت.

ویژگی‌های مبانی

مبانی دارای ویژگی‌ها و خصوصیتی است که توجه به آنها و کاربردشان از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی از ویژگی‌هایی که در این باب گفتنی است به شرح زیر است:

۱. مبانی - چنان‌که گذشت - عمدتاً برون‌دانشی‌اند، اما حل مسائل دانش با تکیه بر مبانی که عمدتاً صبغه فلسفی و فرادانشی دارند، قابل حل است.
۲. مبانی نوعاً کشفی‌اند، نه وضعی و ساختنی. این مسئله به‌طور ویژه الزام می‌کند که در شناخت آنها استقلال فکری و مکتبی خود را لحاظ کنیم و نباید تحت تأثیر پیش‌فرض‌ها و مفروضات مکاتب دیگر قرار بگیریم.
۳. مبانی همواره از درجه‌ای کلیت و فراگیری برخوردارند.
۴. مبانی محدودند و هر چیزی درنهایت به یک یا چند مبنای خاص منتهی می‌شود، نه مبانی متسلسل و بی‌نهایت؛ بلکه اساساً مبناگرایی به معنای نهایت‌مندی سلسله‌مبانی است.
۵. مبانی به لحاظ کشفی‌بودن، اموری ثابت و پایدارند.
۶. مبانی تعیین‌کننده مرزها و تمایزهای معرفتی و تمایزبخش مکاتب و دانش‌ها و گرایش‌ها هستند؛ برای مثال باورداشت حاکمیت عادلانه الهی ما را درگیر برداشت خاصی از عدالت می‌کند که در نگرش لیبرالیستی و سوسیالیستی وجود ندارد.
۷. برخی مبانی در فهم مفاهیم اثرگذاراند و در برداشت از مفاهیم بعدی نیز اثر مستقیم می‌گذارند. نوع نگاهی که شخص به فرد، جامعه و هستی دارد، تأثیر مستقیم در فهم او دارد. درک شخص به عنوان یک مسلمان از جهان، خیر، سعادت، حق، آزادی، عدالت و... نسبت به کسی که مبانی دیگری دارد، متفاوت است.
۸. مبانی جهت‌بخش، هدف‌ساز و تعیین‌کننده آرمان‌ها و غایات مطلوب‌اند. هر الگوی پیشرفتی برساخته از سازه‌های مختلفی است که اساسی‌ترین آنها هدف و آرمان‌نهایی است و عمده‌ترین عامل تعیین‌کننده اهداف و آرمان مطلوب مبانی‌اند.

اکنون گفتنی است اندیشه اسلامی دربردارنده محورها و مضامینی است که پاسخ پرسش‌های بنیادین و زیرساختی مهمی را در محورهایی چون معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ارزش‌شناسی و دین‌شناسی پیش روی متفکر قرار می‌دهد. بنیاد قرارگرفتن دین مبین اسلام برای تدوین الگوی پیشرفت در درجه نخست مبتنی بر یافتن دیدگاه اسلامی درباره محورهای پیش‌گفته و پیوند آن با اصول و ارکان تمدن و پیشرفت است. این مبانی سطوح مختلفی دارند و از بنیادی‌ترین لایه‌ها تا سطوحی مماس با اصول عملی الگو را تشکیل می‌دهند.

هدف از تدوین مبانی دستیابی به آن دسته از مبانی و زیرساخت‌های نظری اندیشه اسلامی است که بر اساس آنها بتوان نظریه پایه اسلامی پیشرفت را کشف، سپس با افزودن مطالعات عرصه‌ای و بررسی‌های محیطی بتوان الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را طراحی کرد.

بایسته‌های مبانی

در جست‌وجو و اکتشاف مبانی و تدوین آنها امور مختلفی باید رعایت شود که اهم آنها از قرار زیر است:

۱. دقت و اتقان: هر اندازه کشف و تدوین مبانی از دقت، صحت و اتقان بالاتری برخوردار باشد، جهتگیری‌ها نیز به تبع آن درست‌تر خواهد بود و امید دستیابی به نظریه و الگویی مناسب‌تر افزایش می‌یابد. بر عکس بی‌دقتی در این عرصه زمینه انحراف در جهتگیری‌ها را افزایش می‌دهد.

۲. مؤثر و مفیدبودن: مبانی باید، هرچند به‌طور ظریف و با وسایط و ضمایمی مؤثر در جهتگیری‌ها، سیاستگذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها باشد.

۳. منظومه‌وار: مبانی آن‌گاه کارا و کارآمد است که نظام‌مند، دارای انسجام و پیوند باشد. در مقابل گسستگی و احیاناً ناسازواری آنها مانع دستیابی به الگویی سازوار، نظام‌مند و مناسب خواهد بود.

۴. جامعیت: در جست‌وجو و تدوین مبانی باید جامع‌نگری را رعایت کرد. مراد از جامعیت این است که مبانی باید به گونه‌ای تنظیم شود که در استخراج اصول و قواعد به مبنایی دیگر نیاز نباشد.
۵. مانعیت: در تدوین مبانی نباید آنچه ربطی به نظریه و الگو ندارد، داخل آن شود.
۶. وضوح و تمایز: مبانی باید برخوردار از ادبیات روشن و قابل فهم بوده، قابل تفسیرهای گوناگون و متعارض نباشد.
۷. وفاق‌پذیری حداکثری: مبانی باید حتی‌الامکان جامع تفکرات داخلی باشد نه اینکه مطابق با پاره‌ای دیدگاه‌های شاذ و خارج‌کننده دیگران باشد؛ البته در بسیاری از موارد اختلافاتی در میان عالمان و اندیشمندان در این حوزه یافت می‌شود و وفاق کامل امکان‌پذیر نیست، اما تا آنجا که ممکن است باید حداکثر وفاق ممکن را در نظر داشت و از انگاشته‌های شاذ و مخالفت‌برانگیز فاصله گرفت (جهت آگاهی بیشتر، ر.ک: نرم افزار حکمت اسلامی، بحث تقسیمات و انقسامات وجود/ طباطبایی، ۱۴۲۰، مرحله‌الثانیه و مرحله‌الثالثه/ مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ۶۲).

روش مبنایی

دستیابی به مبانی با دو روش قیاسی و استقرایی امکان‌پذیر است. در روش قیاسی مباحث بر اساس برهان عقلی تقسیم می‌شود. در روش استقرایی نیز با جست‌وجو در منابع، تراش و آرای عالمان و حکمای اسلامی مبانی مطرح‌شده دسته‌بندی و ارائه می‌گردد.

الف) روش قیاسی

با توجه به پیوند ناگسستنی مسئله پیشرفت و مباحث مرتبط آن با عالم وجود، ابتدا نگاهی به وجود و اقسام آن ضروری می‌نماید. حکیمان مسلمان نیز بسیاری از مباحث از جمله طبقه‌بندی علوم را به گونه‌شناسی و طبقه‌بندی موجودات پیوند زده‌اند. در مجموع آثار فلسفی بحث‌های مستوفا و مشبعی را در این زمینه به خود اختصاص داده است. تقسیمات وجود در منابع فلسفی تنوع و چندگونگی فراوانی دارد (طباطبایی،

۱۴۲۰، المرحلة الثانية و المرحلة الثالثة / مطهری، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۶۲). این مسئله بیش از هر چیز تابع اعتبارات و جهات تقسیم است. اکنون جهت رعایت اختصار ناچاریم بسیاری از مباحث و تقسیمات رایج در این متون را واگذاریم و به بیان پاره‌ای از تقسیماتی که به هدف این نوشتار نزدیک‌تر است، پردازیم.

الف) یکی از تقسیمات وجود به اعتبار وعاء و ظرف تحقق و آثار آن است. بدین‌روی وجود را به ذهنی و خارجی تقسیم می‌کنند (صدالمتالهین، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۶۳-۳۲۶ / سبزواری، شرح منظومه (چاپ سنگی)، ص ۲۷-۳۹ / طباطبایی، ۱۴۲۰، المرحلة الثالثة). مراد از وجود خارجی تحقق چیزی و رای ذهن است و منظور از وجود ذهنی، وجود حاکی و به عبارت دیگر همان علم به اشیاست و اثر آن، رفع جهل از فاعل شناسا می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۲۰، ص ۴۵-۵۲).

ب) تقسیم دیگر وجود در نگاه حکمت متعالیه به لحاظ حقیقی بودن و عدم آن است. بدین‌روی وجود را به حقیقی و غیرحقیقی (اعتباری) تقسیم می‌کنند.

چه بسا گفته شود که وجود مساوی با حقیقی بودن است و وجود غیرحقیقی تناقض‌آمیز و مساوی با وجود ناموجود است. پاسخ آن است که مفهوم وجود دوگونه کاربرد دارد: یکی وجود قسمی و دیگری مقسمی. اشکال یادشده اگر راست آید، در رابطه با وجود قسمی است؛ اما وجود مقسمی مفهومی اعم و قابل تقسیم به حقیقی و غیرحقیقی است. افزون بر آن وجود اعتباری درجه‌ای از وجود حقیقی بوده و از اقسام وجود تکوینی است؛ چون منشأ حرکت‌های تکوینی است و لاجرم نمی‌تواند از حقیقت بی‌بهره و از تکوین بی‌نصیب باشد؛ لیکن در نسبت با دیگر وجودهای حقیقی، به وجود اعتباری نامبردار است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۵).

شایان یاد است که مفهوم اعتباری نزد فیلسوفان کاربردهای مختلفی دارد از جمله:
۱. اعتباری در مقابل ماهوی: این قسم شامل معقولات ثانیه منطقی و فلسفی می‌شود. در این کاربرد حتی مفهوم وجود نیز اعتباری به شمار می‌رود. مفهوم اعتباری در تقسیم فوق‌ناظر به این کاربرد نیست.

۲. اعتباری در مقابل حقیقی: این قسم شامل دو گونه اعتباریات تکوینی و تشریحی است. مراد از اعتباریات تکوینی، عناوین اعتباری به‌کاررفته درباره پاره‌ای از موجودات

حقیقی است؛ برای مثال تیم عنوانی اعتباری برای دلالت بر تعداد معینی از افراد حقیقی در نوعی فعالیت، مانند بازی، است. اعتباریات تشریحی نیز اموری هستند که با واسطه یا بی‌واسطه تعیین‌کننده قواعد و نُرم‌های رفتارهای اختیاری انسان و حدود، حقوق و وظایف اویند. این امور به شرح زیر می‌باشند:

الف) قوانین و احکام فقهی و حقوقی مانند وجوب، حرمت و... (احکام تکلیفی/بایدها و نبایدها).

ب) عناوین توصیفگر کنش‌های اختیاری مانند حسن، قبح، عدل، ظلم، خوب، بد و... این قسم مفاهیم را «مفاهیم ارزشی» نیز می‌نامند؛ چنان‌که گاهی این عنوان را به قسم پیشین یا همه اعتبارات تشریحی اطلاق می‌کنند.

ج) عناوین دربردارنده احکام وضعی مانند زوجیت، ملکیت و... سرجمع دو دسته تقسیم فلسفی پیش‌گفته این است که وجود را می‌توان به سه قسم عینی، ذهنی و اعتباری تقسیم نمود (ر.ک: حسین‌زاده، ۱۳۸۴، ص ۲۸-۳۶). البته- چنان‌که گذشت- اعتباری بودن چیزی به معنای کاملاً تهی از واقعیت و حقیقت عینی نیست، بلکه بسیاری از آنها ریشه در حقایق عینی دارد.

وجودات اعتباری نیز همچون امور حقیقی قابل تقسیم به دو قسم عینی و ذهنی‌اند. وجود عینی آنها همان وعاء اعتبارشان می‌باشد؛ یعنی اعتبارکننده برای آنها در خارج اعتبار وجود و اثر می‌کند؛ برای مثال مالکیت وصفی خارجی است و آثار خارجی بر آن مترتب است. از طرف دیگر علم به آنها مانند آگاهی از مالکیت کسی بر چیزی وجود ذهنی آن است؛ لیکن در اینجا اصل وجود آنها مورد نظر است.

بنا بر آنچه گذشت، مبانی یا ناظر به واقعیات عینی است، مانند مبانی هستی‌شناختی یا ناظر به واقعیات ذهنی، مانند مبانی معرفت‌شناختی و منطقی و یا ناظر به امور اعتباری است، مانند مبانی ارزش‌شناختی و امثال آن.

در این تقسیم مبانی هستی‌شناختی نیز به دو دسته عام و خاص تقسیم‌پذیرند. مبانی عام اصول کلی هستی‌شناختی مانند اصل علیت و... را رصد می‌کند. مبانی خاص نیز به هستی‌شناسی مضاف به اموری چون خدا، جهان، انسان و... می‌پردازد.

ب) روش استقرایی

در روش استقرایی نیز برای اینکه چگونه می‌توان به مبانی دست یافت، پیشنهادها و راه‌حل‌هایی قابل طرح است از جمله: ۱. مراجعه بدوی و مستقیم به متون، منابع و تراث، آن‌گاه با مطالعه آنها به سمت مبانی و سپس از آنها به سوی اصول و فروع حرکت کردن؛ ۲. مراجعه به نظریه‌های موجود و مبنی‌گذاران برخی از آنها برای مسائل پیش رو؛ ۳. مواجهه با مسئله، سپس جست‌وجوی زیرساخت‌های معرفتی برای حل آن و به عبارت دیگر از فروع به سمت اصول و مبانی حرکت کردن؛ ۴. مبنیابی از طریق بررسی مسائل اختلافی. در این روش که گونه‌ای سیر از فروع به سمت اصول و مبانی است، مسائل یا اصول اختلافی مورد بررسی قرار می‌گیرد و روشن می‌شود که برای حل آن، چه مبانی‌ای مورد نیاز است؛ ۵. بررسی مبانی، اصول و مسائل دیگر تمدن‌ها، سپس عرضه آنها به منابع و تراث خودی. مثلاً دکارت ساجکتیویسم و اصالت ریاضیات را بنیان گذاشت و بر اثر آن، کل بنیاد علم و تمدن غرب دگرگون شد و اکنون اینها از پایه‌های اساسی تمدن غرب مدرن‌اند و برونادهای ارزشی، حقوقی و رفتاری متعددی را در پی آورده‌اند. توجه به این امور، سپس مراجعه به منابع خودی و دریافت پاسخ متفاوت آنها در این مسائل می‌تواند برای ما مناسب‌ساز بوده، تمایزات ارزشی و تمدنی ما را رقم زند؛ ۶. روش دیالکتیکی، به‌ویژه از طریق رفت و برگشت بین واقعیات و مسائل و متون و منابع.

ج) روش ترکیبی

روش ترکیبی تلفیقی از روش‌های مختلف است. به نظر می‌رسد آنچه بیشتر ما را مدد می‌رساند، همین شیوه است؛ بنابراین در اکتشاف و تدوین مبانی الگوی اسلامی ایرانی، پیشرفت به‌ناچار باید همه راه‌های ممکن را طی نمود و به روش واحد بسنده نکنیم؛ زیرا هر راه و روشی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خاصی دارد و در حد امکان باید از همه ظرفیت‌ها استفاده کرد.

نکته دیگر اینکه در روش استقرایی تا زمانی که مبانی را به تقسیم‌ثنائی و قیاسی

ربط ندهیم، شک داریم که آیا همه اقسام را در بر گرفته است یا نه؛ بنابراین اگر در بدو امر چاره‌ای نداشته باشیم جز اینکه مبانی را به روش استقرایی گرد آوریم، زیرا چه بسا اگر از آغاز با تقسیم عقلی شروع بکنیم، بحث انتزاعی شده و با واقعیت ارتباط برقرار نکند؛ اما در عین حال مناسب است که وقتی می‌خواهیم جامعیت آن را بررسی کنیم، آن را در تقسیم عقلی قرار دهیم تا با دقت همه ابعاد لازم ملاحظه شود.

مشکلات فرارو

نوبودن مسئله میناکاوی الگوی پیشرفت، مشکلاتی را فراروی آن قرار می‌دهد. مهم‌ترین مشکل در این عرصه چندوچون مبنایی و ایجاد پیوند بین مبانی و الگوی پیشرفت است. این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از مسائل اساسی الگوی پیشرفت که می‌بایست از طریق مراجعه به مبانی پاسخ آنها را یافت، به‌خوبی روشن و آشکار نگردیده، از همین‌رو هنوز از طریق مسائل چندان راهی به سوی اکتشاف مبانی گشوده نیست؛ برای مثال به‌طور دقیق روشن نیست که الگوی پیشرفت با چه مسائل معرفت‌شناختی‌ای روبه‌روست تا با مراجعه به حکمت و میراث اسلامی بتوان پاسخ‌های زیربنایی آنها را یافته، به مثابه مبانی معرفت‌شناختی در حل مسائل الگو از آنها بهره برد. این رخداد موجب می‌شود که حرکت را از زیرساخت‌های فکری و نظری آغاز کرده، در عین حال از هر شیوه دیگری نیز که اندک کمکی در این راستا نماید، در حد امکان بهره‌جست؛ برای مثال از آنجاکه توجه به مبانی دیگر تمدن‌ها و جست‌وجوی وجوه اشتراک و تمایزشان با ما تا حدودی راهگشا به سوی مبانی خودی است، نگاهی هم به پاره‌ای مبانی تمدن غرب و برون‌داد آنها باید افکنده شود. افزون بر آن همگام با تلاش صاحب‌نظران در راستای طراحی الگو باید به تدریج با مسائل الگو آشنا شده، آنها را با مبانی پیوند زد و با ایجاد رابطه دوسویه بین آنها به تکمیل و تنقیح مبانی نیز پرداخت. یکی از راه‌های پیش رو نیز رابطه رفت و برگشتی بین مبانی پایه و مبانی عرصه‌ای است. بر این اساس همان‌گونه که مبانی پایه جهت‌دهنده به عرصه‌ها و ارواژه‌کننده پاره‌ای از مبانی به آنهاست، از طریق مسائلی که در عرصه‌ها مطرح و برای آنها

مبناکاو می‌شود نیز می‌توان به مبانی مشترک و لایه‌های زیرین‌تر حرکت کرد و به تدریج مجموعه مبانی و رابطه آن با عرصه‌ها و مسائل را روشن‌تر ساخت.

اقسام مبانی

مبانی به عبارات گوناگونی تقسیم‌پذیرند. در رابطه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نیز تقسیم‌بندی‌های مختلفی امکان‌پذیر است. اکنون به پاره‌ای از این تقسیمات که در تحقیق و تدوین سند مبانی الگو اثرگذار بوده است، اشاره می‌شود:

الف) به لحاظ میزان شمول

مبانی به لحاظ گستره شمول و فراگیری بر دو قسم‌اند:

۱. مبانی عام: مراد از مبانی عام آن دسته از مبانی هستند که ناظر به نظریه یا الگوی پیشرفت در حوزه و عرصه خاص و معینی مانند اقتصاد، سیاست، مدیریت، محیط زیست، خانواده و غیره نیستند، بلکه مبانی مشترک همه عرصه‌ها و به عبارت دیگر مبنای نظریه یا الگوی پایه و فراعرصه‌ای پیشرفت می‌باشند. از این منظر سند مبانی را می‌توان «مبانی عام و پایه‌ای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» نامید.

۲. مبانی خاص یا عرصه‌ای: این دسته از مبانی، بر خلاف قسم پیشین، ناظر به حوزه معین و مضاف به عرصه‌ها می‌باشند؛ مانند مبانی نظریه یا الگوی پیشرفت فرهنگی، مبانی الگوی پیشرفت سیاسی، مبانی الگوی پیشرفت اقتصادی، مبانی الگوی پیشرفت زیست محیطی و

ب) به لحاظ سطوح

تقسیم‌بندی دیگری که در این رابطه شایان توجه است، به لحاظ لایه‌ها و سطوح است. به نظر می‌رسد در رابطه با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت سه سطح از مبانی به شرح زیر قابل جست‌وجوست:

۱. مبانی رسانا به نظریه دینی پیشرفت: این دسته مبانی زیرساختی‌ترین لایه‌های بنیادین یک نظریه دین‌بنیاد و توجیه و تمهیدکننده نظری الگوی پیشرفت دین پایه و تعیین‌کننده چگونگی و حدود مرجعیت دین در این عرصه‌اند؛ به عبارت دیگر این دسته مبانی عمدتاً در خدمت پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که آیا دین می‌تواند مبنا و مرجعی برای الگوی پیشرفت باشد یا نه و در صورت مثبت‌بودن حدود مرجعیت دین در این عرصه چیست؟ آیا دین همه و جوه و ابعاد پیشرفت را تعیین و تأمین می‌کند، یا سازه‌ها و ارکان معینی از آن را؟ و در صورت دوم آن سازه‌ها کدام‌اند و دیگرسازه‌ها که علی‌الغرض دین در آنها دخالت ندارد، کدام است؟ بخشی از تحقیقات انجام‌شده در حوزه مبانی عام و پایه‌ای تأمین‌کننده این سطح از مبانی است.

۲. مبانی نظریه پیشرفت اسلامی: این دسته از مبانی در پرتو مبانی پیشین، آشکارکننده آن دسته از تعالیم و آموزه‌های اساسی درون دینی است که نظریه خاصی را از منظر دین در باب پیشرفت برمی‌سازد و به عبارت دیگر راهنما به سوی نظریه پیشرفت حاصل از دین است. در تفاوت دوگروه مبانی یادشده باید توجه داشت که گروه نخست در رتبه مقدم‌اند؛ زیرا بدون تعیین اصل مرجعیت دین در باب پیشرفت و حدود آن، نوبت به سخن در باب نظریه دینی پیشرفت نمی‌رسد. بخش دیگری از تحقیقات انجام‌شده در حوزه مبانی تأمین‌کننده این سطح از مبانی است.

۳. مبانی انطباق‌دهنده نظریه پیشرفت اسلامی با اوضاع موجود نسبتاً پایدار ایران: گروه اخیر بر سازنده الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هستند؛ زیرا در الگوسازی علاوه بر غایات و ارزش‌ها توجه به شرایط زمانی و مکانی، زیست‌بوم طبیعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... ضعف‌ها و قوت‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و... همه باید لحاظ شوند و - چنان‌که پیش‌تر گفته آمد- با ایجاد هماهنگی بین نظریه اسلامی پیشرفت و شرایط و مقتضیات کشور ایران و جامعه ایرانی، می‌توان به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دست یافت.

ج) به لحاظ حوزه معرفت

مبانی را از جهت حوزه تعلق معرفت نیز تقسیم‌بندی می‌کنند. در تحقیق انجام‌گرفته مبانی

از این منظر به مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی (مبانی خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی)، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی تقسیم شده است.

(د) به لحاظ نظر و عمل

مبانی در کاربرد عام خود قابل تقسیم به مبانی نظری و عملی‌اند؛ اما در کاربرد خاص‌تری می‌توان مبانی را منحصرأ در زیرساخت‌های نظری استعمال و از گزاره‌های عملی پایه به اصول و قواعد یاد کرد. در سند مبانی ابتدا زیرساخت‌های نظری ذکر شده و از آنها بایسته‌های پایه و کلانی استخراج شده که مقتضی است راهبردهای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با نظر داشت آنها تدوین شوند. این بایسته‌های بنیادین را می‌توان مبانی عملی یا اصول راهبردی الگوی اسلامی ایرانی نامید.

ماحصل تحقیقات گسترده‌ای که در مدت سه سال نگارنده و شماری از دیگر محققان در حوزه مبانی انجام شده (ر.ک: شاکرین و...، مبانی الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، ج ۱ و ۲ (آماده چاپ)) این است که اندیشه اسلامی در حوزه‌های معرفتی پیش‌گفته حاوی معارف و باورهای ویژه و قابل توجهی است. برونداد این مبانی نظریه و الگویی از پیشرفت است که خدامدار، شریعت‌محور، ارزش‌گرا، پایدار، واقع‌بین، خردپذیر، مشارکت‌جویانه، همه‌جانبه، فطرت‌بنیان، ناظر به ابعاد و ظرفیت‌های گوناگون انسان، شکوفاگر متوازن همه استعدادها و توانش‌های آدمی، ناظر به حاجات فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی انسان، حافظ عزت، مصلحت و کرامت انسان در این جهان و جهت‌دار به سوی تعالی، کمال، تقرب الی الله و سعادت جاودان می‌باشد.

خلاصه و نتیجه

۱. مبنا در لغت به معنای اصل و ریشه است و منظور از آن در این مقاله زیرساخت‌های نظری و بنیادین و به تعبیر دیگر متاپارادایم یا پارادایمی است که نظریه و الگوی پیشرفت مبتنی بر آن است.

۲. الگو مدلی است که بسان یک نقشه، مقصد و راه را نشان می‌دهد.
۳. مراد از اسلامی بودن، ابتدای الگوی پیشرفت بر مبانی و هماهنگی آن با آموزه‌های دین مبین اسلام است.
۴. اهم مقومات پیشرفت اسلامی عبارت است از: غایت تکاملی و توحیدی؛ ابتنا بر مبانی و آموزه‌های اسلامی و خردمندانگی و دانش‌بنیادبودگی هماهنگ با دین؛ جامعیت و ناظر به همه ظرفیت‌ها، استعدادها، ساحت‌ها، مراتب و عوالم وجودی انسان.
۵. مراد از ایرانی بودن الگوی پیشرفت عمدتاً انطباق آن با شرایط نسبتاً پایدار اقلیمی، فرهنگی، تاریخی، اوضاع سیاسی، اجتماعی و به‌طور کلی مقتضیات کشور ایران است.
۶. مبانی دارای ویژگی‌هایی هستند از جمله: برون‌دانشی بودن؛ کشفی بودن؛ دارای درجه‌ای از کلیت و فراگیری؛ محدود و نامتسلسل بودن؛ ثبات و پایداری؛ تعیین‌کننده مرزها و تمایزهای معرفتی؛ اثرگذار در تعاریف و مفاهیم؛ جهت‌بخش، هدف‌ساز و تعیین‌کننده آرمان‌ها و غایات مطلوب.
۷. در رابطه با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت مبانی به اعتبارات گوناگونی تقسیم‌پذیرند؛ از جمله: ۱. به لحاظ گستره شمول: مبانی عام و خاص و مبانی عرصه‌ای و فراعرصه‌ای؛ ۲. به لحاظ سطوح: مبانی نظریه دینی پیشرفت، مبانی نظریه پیشرفت اسلامی، مبانی انطباق‌دهنده نظریه پیشرفت اسلامی با اوضاع نسبتاً پایدار ایران؛ ۳. به لحاظ حوزه تعلق: مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، خداشناختی، جهان‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی.
۸. بایسته‌های عمده در مبانی عبارت‌اند از: دقت و اتقان؛ مفید و مؤثر بودن؛ انسجام و منظومه‌وارگی؛ جامعیت؛ مانعیت؛ وضوح و تمایز و وفاق‌پذیری حداکثری.
۹. سه روش قیاسی و استقرایی و ترکیبی قابل‌شناسایی‌اند. افزون بر پذیرش روش سوم، بر مطالعات تطبیقی پیرامون مبانی دیگر تمدن‌ها و کشف وجوه اشتراک و تمایز و همچنین بررسی‌های رفت و برگشتی بین مبانی عام پایه‌ای، مبانی عرصه‌ای و مسائل به‌عنوان حرکتی پیوسته و مداوم در بازسازی و تکمیل و اصلاح مبانی تأکید می‌شود.

منابع و مأخذ

۱. بیانات در دیدار دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۹.
۲. بیانات رهبری در اجتماع بزرگ مردم رفسنجان ۱۳۸۴/۲/۱۸.
۳. بیانات رهبری در دیدار بیسیج دانشجویی ۱۳۸۴/۳/۵.
۴. بیانات رهبری در دیدار وزیر و مسئولان وزارت کشور و استانداران ۱۳۷۰/۹/۲۷.
۵. بیانات رهبری در عید فطر ۱۳۷۱/۱۰/۱۵.
۶. جوادی آملی، عبدالله؛ **جامعه در قرآن**؛ قم: اسراء، ۱۳۷۸.
۷. حسین‌زاده، محمد؛ «طبقه‌بندی مفاهیم از منظر معرفت‌شناسان مسلمان»؛ **مجله معرفت**، ش ۹۹، اسفند ۱۳۸۴، ص ۲۸-۳۶.
۸. دوران، دانیل؛ **نظریه سیستم‌ها**؛ ترجمه محمد یمنی دوزی سرخابی؛ تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
۹. سیزواری، حاج ملاهادی؛ **غرر الفوائد (معروف به شرح منظومه)**؛ چاپ سنگی.
۱۰. حمیدرضا شاکرین و...؛ **مبانی الگویی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت**؛ ج ۱ و ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (آماده چاپ).
۱۱. شیرازی، صدرالدین محمد (صدرالمآلهین)؛ **الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة**؛ ج ۱، الطبعة الثالثة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین؛ **نهایة الحکمة**؛ قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۱۵، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. مصطفوی تبریزی، حسن؛ **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**؛ ج ۱، تهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی، ۱۳۸۵.
۱۴. مطهری، مرتضی؛ **مجموعه آثار**؛ ج ۱۰، تهران: صدرا، چاپ اول، آبان ۱۳۸۵.
۱۵. معین، محمد؛ **فرهنگ فارسی**؛ ج ۱، چ ۱۰، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۱۶. نرم افزار حکمت اسلامی.